

انتقال بحران
با جابه جایی آبحمید پشتوان
پژوهشگر حوزه آب

کمیابی آب در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک، به مشکلی اساسی و بنیادین تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با راه حل های مقطعی یا فنی پاسخ داد. باین حال یکی از نخستین گزینه‌هایی که همواره روی میز مسئولان قرار می‌گیرد، طرح‌های بزرگ انتقال آب است. این طرح‌ها معمولاً با زبان نجات‌بخشی و حماسی، تأمین پایدار و ضرورت ملی معرفی می‌شوند. اما پژوهش‌های علمی متعدد نشان می‌دهند که این تصویر ساده و امیدوارکننده، تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. انتقال میان حوضه‌ای آب به معنای انتقال آب از یک حوضه آبریز به حوضه‌ای دیگر است؛ حوضه‌هایی که از نظر هیدرولوژیکی به‌طور طبیعی به هم متصل نیستند، این انتقال معمولاً نیازمند زیرساخت‌هایی عظیم است؛ سد‌ها، تونل‌های طولانی، خطوط لوله با قطر بالا و سامانه‌های پمپاژ پر مصرف از نظر انرژی. جذابیت این طرح‌ها تنها به دلیل آوردن آب نیست؛ انتقال آب برای مسئولان، پاسخی فوری و قابل‌رؤیت به بحران است. برخلاف اصلاح الگوی مصرف یا تغییر ساختار کشاورزی که زمان‌بر، پرچالش و سیاسی‌اند، انتقال آب نتیجه‌ای ملموس دارد؛ آب جاری می‌شود. همین ویژگی، آن را به گزینه‌ای محبوب در شرایط فشار اجتماعی و رسانه‌ای تبدیل می‌کند. اما درست در همین نقطه باید پرسید: آیا جذاب‌بودن یک راه حل، الزاماً به معنای درست‌بودن آن است؟ یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش‌های چنددهه اخیر این است که کمیابی آب غالباً نه به دلیل فقدان مطلق آب، بلکه به دلیل نحوه مدیریت، توزیع و مصرف آن رخ می‌دهد. موجودی آب هر چند نوسان زیادی دارد، اما در بخش‌هایی مصرف می‌شود که بازدهی اندک یا اولویت پایین دارند. وقتی کمیابی آب صرفاً به عنوان کمبود عرضه تعریف شود، طبیعی است که مدیران به دنبال افزایش عرضه بروند. انتقال آب دقیقاً بر همین منطق استوار است. اما این تعریف ناقص، ریشه‌های نهادی و اقتصادی بحران را پنهان می‌کند و توجه را از اصلاحات دشوار اما ضروری منحرف می‌سازد. ورود آب انتقالی به یک منطقه، غالباً با این تصور همراه است که مشکل حل شده است. این تصور، حتی اگر رسماً اعلام نشود، در تصمیم‌های بعدی اثر می‌گذارد. برنامه‌ریزی شهری، توسعه محورها می‌شود، مجوز صنایع پر مصرف صادر می‌شود و اصلاح الگوی مصرف به اولویت‌های پایین‌تر رانده می‌شود. پژوهش‌های انتقادی نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد، انتقال آب نه تنها مصرف را کاهش نداده، بلکه آن را افزایش داده است. این پدیده به تدریج و بی‌سروصد رخ می‌دهد: تقاضا خود را با عرضه جدید تطبیق می‌دهد. به این ترتیب منطقه‌ای که قرار بود از بحران نجات یابد، پس از چندسال دوباره با کمبود مواجه می‌شود؛ این بار با وابستگی کامل به منبعی بیرونی. در روایت‌های رسمی، حوضه مبدأ معمولاً در حاشیه قرار دارد. آب از آنجا برداشته می‌شود، بی آنکه پیامدهای این برداشت به‌طور جدی در مرکز توجه باشد. اما از منظر علمی، حوضه مبدأ قلب مسئله است. کاهش جریان رودخانه‌ها، افت سطح آب‌های سطحی و زیرزمینی و تضعیف تالاب‌ها تنها بخشی از پیامدهای رایج‌اند. این تغییرات غالباً تدریجی‌اند و در کوتاه‌مدت فاجعه‌بار به نظر نمی‌رسند، اما در بلندمدت تآثیر آری اکولوژیکی منطقه را از بین می‌برند. در نتیجه همان حوضه‌ای که زمانی «دارای ماراد نسی» تلقی می‌شد، خود به منطقه‌ای آسیب‌پذیر تبدیل می‌شود. طرح‌های انتقال معمولاً با اعداد و جدول اقتصادی توجیه می‌شوند. اما بسیاری از هزینه‌ها به سادگی قابل قیمت‌گذاری نیستند؛ تخریب سرمایه طبیعی، از دست رفتن خدمات اکوسیستمی، افزایش تعارضات اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی. اگر این هزینه‌ها به‌درستی در نظر گرفته شوند، تصویر اقتصادی پروژه‌ها به شدت تغییر می‌کند. بسیاری از طرح‌هایی که روی کاغذ «اقتصادی» به نظر می‌رسند، در واقع بدهی‌های بلندمدت محیط‌زیستی و اجتماعی ایجاد می‌کنند. انتقال آب پروژه‌ای نیست که بتوان به راحتی آن را متوقف یا اصلاح کرد. زیرساخت‌های سنگین و سرمایه‌گذاری‌های کلان، نوعی قفل‌شدگی ایجاد می‌کنند. حتی اگر شرایط تغییر کند - برای نمونه، منابع مبدأ کاهش یابد یا گزینه‌های پایدارتری در دسترس قرار گیرد - عقب‌نشینی سیاسی و نهادی بسیار دشوار است. بسیاری از طرح‌های انتقال بر این فرض بنا می‌شوند که منابع آبی حوضه مبدأ، در آینده نیز قابل اتکا خواهند بود. اما تغییر اقلیم این فرض را به شکل اساسی زیر سوال می‌برد. در چنین شرایطی، انتقال آب بیش از آنکه راه‌حلی مطمئن باشد، تقسیم‌بیک منبع نامطمئن میان دی‌نفعان بیشتر است؛ اقدامی که احتمال موفق نشدن طرح را به‌طور جدی افزایش می‌دهد.

عکس: علی محمدی / هم‌میهن

گزارش
زنانزهرابهرروزآذر معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری در گفت‌وگو با «هم‌میهن»
از ناآگاهی مردان درباره انواع خشونت علیه زنان سخن گفتمتلك انداختن شوخی نیست
خشونت است

دولت به طور هم‌زمان دستورالعمل و لایحه منع خشونت علیه زنان را پیگیری می‌کند

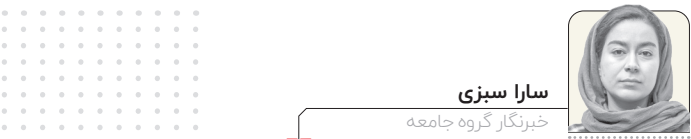
شناسایی کنند و آنها را در دستورالعمل لحاظ کنند.

▼ زنان، نویسندگان کارزارهای پرامضاء

پرامضاءترین کارزار تاریخچه این ملتفرم از سوی یک نویسنده زن، درباره دسترسی به رفع فیلترینگ، بوده است که یک میلیون و ۱۹۷ هزار امضاء داشته است و دومین کارزار پرامضاء با ۸۷۰ هزار امضاء هم متعلق به یکی از زنان کنشگر بود که برای تعطیلی مدارس و حفظ بهداشت در دوره کرونا نوشته بود. زنان نویسنده این کارزارها عمدتاً توانسته بودند بیش از ۳۰ هزار مخاطب داشته باشند و برخی از آنها کارزارهای کوچک روستایی بسیار موثری به‌راه انداخته بودند. با این حال انتقاد آنها بی‌توجهی به مسائل روستایی از سوی معاونت زنان بود. حامد بیدی، مدیر ملتفرم «کارزار» در ابتدای نشست، آمارهایی از مخاطبان این ملتفرم داد و گفت: «تا امروز میزان ۵۷ میلیون امضاء از ۲۲ میلیون کاربر یکتا، برای بیش از ۵۷ هزار مطالبه و اعتراض مدنی است. مسیر تاثیرگذاری ملتفرم «کارزار» از چند مسیر مختلف پیش می‌رود. ایده ما این است که این ملتفرم، هر شهروند عادی‌ای که هیچ ارتباطات و رانتی ندارد و مسئولان را نمی‌شناسد، بتواند به‌عنوان یک شهروند با بسیج افکار عمومی، صدای خود را به مسئولان برساند. برای همین از مسیر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های رسمی کمک می‌گیریم. مسیر بعدی، نامه‌نگاری رسمی برای نویسندگانی است که کارزارهای بالای دوهزار نفر داشته‌اند که از طریق شبکه سمن‌ها و کنشگرها نیز ارتباطات خوبی شکل داده‌ایم.»

زهرابهرروزآذر، معاون رئیس جمهوری در امور زنان در این نشست، درباره پیگیری موضوع حذف شرط معدل در کنکور توضیح داد و گفت: «این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد، وزیر آموزش و پرورش پیگیر آن بود، خود آقای پزشکیان هم تأکید داشتند. با همین رویکرد، دوس‌دهم و نهمی از درس یازدهم حذف شد. نکاتی درباره تجهیز معلمان به ابزارهای الکترونیک مطرح شده که دغدغه خوبی است و آن را مطرح می‌کنیم، اما از هر راهی به موضوع بودجه می‌رسیم.» او درباره درخواست حق عائلهمندی برای زنان که از سوی یکی از نویسندگان کارزارها مطرح شده بود، گفت: «حق عائلهمندی یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه زنان وجود دارد و باید آن را حل کنیم. در روزهای ابتدای کار این دولت، به آقای عارف نامه فرستادیم و خواهش کردیم که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. ایشان هم نامه را به کمیسیون سرمایه انسانی ارجاع دادند و در حال حاضر در کمیسیون‌های فرعی و تخصصی است و اجرای آن مشروط به تصمیم سازمان برنامه و بودجه است. اگر بتوانیم موافقت این سازمان را بگیریم، لایحه نهایی و به مجلس ارسال می‌شود. استدلال مخالفان این است که حق عائلهمندی اصلاً بخشی از حقوق نیست و کمک‌هزینه است. در حال حاضر هم حقوق زنان و مردان با یکدیگر برابر است و ما به خانواده‌هایی که فرزند دارند کمک‌هزینه پرداخت می‌کنیم. علاوه بر این، این حق حالا به مردان و زنان سرپرست خانوار داده می‌شود؛ یعنی جنس آن را دست‌نمی‌داند.»

بهرروزآذر در ادامه، درباره درخواست درج نام مادر در کنار نام پدر روی کارت‌های ملی، گفت: «ما سال گذشته این



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

نشست ویژه زنان کنشگر ملتفرم اجتماعی «کارزار» با حضور زهرابهرروزآذر، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده و ۳۰ زن کنشگر برگزار شد؛ زنانی که کارزارهای متفاوتی در زمینه حقوق زنان، حفاظت از محیط‌زیست، کارزارهای روستایی، رفع فیلترینگ، مسائل شهری، حمایت از حیوانات، مهریه، تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان، حق عائلهمندی، تأثیر معدل در کنکور، نبود راه ارتباطی با اورژانس و آتش‌نشانی برای ناشنوایان، مشکلات روستایی نمکین طارم قزوین و مواردی دیگر به‌راه انداختند.



زهرابهرروزآذر

معاون رئیس جمهوری در

امور زنان و خانواده:

فرایند استرداد لایحه

منع خشونت علیه

زنان گند شده و الان

در حال گفت‌وگو با

مجلس هستیم تا بتوانیم

به اجماع برسیم که این

لایحه باز دارندگی کافی

داشته باشد. تلاش

داریم تمام محورهای

را که ممکن است

به اشکال مختلف،

نشانه‌هایی از خشونت

علیه زنان داشته

باشد را در این لایحه

بینیم و مطمئن باشیم

چرخه‌ای که ممکن

است خشونت در آن

پدید بیاید، به‌طور کامل

مورد توجه قرار گرفته

و موضوع پیگیری در

نظر گرفته شده باشد

موضوع را پیگیری کردیم و جلسه‌ای با سازمان ثبت‌احوال برگزار کردیم. مسئله این است که جنس کارت‌های هویتی و فیلدهای داخل آن در حال تغییر است. نوع کارت هویتی به‌سمتی می‌رود که کمترین اطلاعات روی آن ثبت شود. یعنی حتی نام پدر هم ثبت نباشد و فقط کدملی روی آن نوشته شده باشد؛ به‌خصوص بعد از جنگ اخیر، همچنین بعد از توسعه هوش مصنوعی، اهمیت اسناد هویتی به‌مراتب بیشتر شده است. الان به این سمت می‌رویم در نظام داده‌ای که کمترین اطلاعات روی کارت‌های هویتی باشد.»

در این نشست، معاون رئیس جمهوری در امور زنان، از ادامه پیگیری لایحه خشونت علیه زنان از سوی دولت خبر داد. به گفته او برخی جرائم در این لایحه دیده نشده و دولت تلاش می‌کند ایرادات آن در راینی با مجلس برطرف شود: «در روزهای آغاز فعالیت دولت، درخواست تسریع در رسیدگی لایحه منع خشونت علیه زنان را اعلام کردیم. علاوه بر این من آذرماه سال گذشته هم با آقای قالیباف صحبت کردم و از او خواستم که این لایحه را پیگیری کند. در نهایت لایحه در دستور کار مجلس آمد، به کمیسیون‌ها رفت و تغییراتی در آن ایجاد شد. این تغییرات از جایی به‌بعد، به سمتی رفت که کلیت لایحه را تغییر داد؛ یعنی آن پیشگیری و بازدارندگی‌ای که نویسندگان اصلی لایحه انتظار داشتند را نداشت. دغدغه اصلی نویسندگان لایحه این بود که بازدارندگی کامل داشته باشد و چرخه خشونت را به‌صورت کامل در نظر بگیرد؛ چون بسیاری از ریشه‌های بروز خشونت به کودکی، نوجوانی و نداشتن برخی مهارت‌ها برمی‌گردد، در حالی که این موارد به شکل‌های مختلف حذف شده بود. وقتی این موضوع را در دولت مطرح کردیم، به این نتیجه رسیدیم که با توجه به جدی‌بودن تغییرات ماهوی، لایحه دیگر آن بازدارندگی کامل را ندارد و باید استرداد شود. این موضوع با فوت الهه حسین‌نژاد هم‌زمان شد؛ موضوعی که افکار عمومی را جریحه‌دار کرد و باعث شد روند استرداد را گند کنیم. در آن‌زمان هم رئیس جمهوری از ما خواستند به نمایندگان مجلس صحبت کنیم تا بتوانیم به نقطه خوبی برسیم، هم خود مجلس از ما خواست که این گفت‌وگو را ادامه دهیم تا یک اجماع اتفاق بیفتد. در حال حاضر این مسیر را با هم ادامه می‌دهیم و اگر بتوانیم مطمئن شویم که ایرادات آن برطرف‌شده، لایحه در دستور کار می‌آید.» بهروزآذر ادامه داد: «فضای کلی حاکم بر کشور این است که مسائل زنان باید حل شود. مخصوصاً در این دوهفته اخیر، بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری در روز زن امسال، این تأکید جدی‌تر شده است و الان رئیس قوه‌قضائیه آن را دستورکار کرده و در دولت و مجلس هم آن را با جدیت پیگیری می‌کنند. فضای کلی کشور این است که مسائل نباید روی زمین بمانند. بسیاری از موضوعات ریشه در فقر دارند و به‌همین دلیل با جدیت در حال کار روی موضوع فقر هستیم. دولت مسئله اول خود را حل مسئله معیشت گذاشته است. اگر هم می‌بینید که موضوع کاهش واردات بنزین در این چندروز مطرح شده، به این دلیل است که منابعی که از کاهش واردات بنزین صرفه‌جویی می‌شود، برای حل مسئله معیشت هزینه‌شود؛ چون اگر این مسئله حل نشود، به‌دنبال